

آسیب شناسی شایعه در قرآن

محمد بهرامی

شایعه در برابر دیگر آسیب های اجتماعی از قدرت تخریب بیشتری برخوردار است. بدبینی افراد به یکدیگر، بی اعتمادی مردم به مسئولان، رکود اقتصادی، احساس ناامنی، یأس و ناامیدی، زمینه سازی برای دخالت بیگانگان، تحریم اقتصادی، سیاسی، نظامی و... تنها بخشی از آسیب هایی است که شایعه بر پیکر اجتماع فرود می آورد.

نمونه ها و شواهد عینی بسیاری برای نقش تخریب گری شایعه وجود دارد که یکی از نمونه های بارز آن در عرصه اجتماعی و سیاسی، قدرت تخریب شایعه ای است که در دوران حکومت دکتر مصدق ساخته و پرداخته شد. وقتی کودتا در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ با هوشیاری دولت مصدق خنثی شد و برخی از کودتاچیان دستگیر شدند، عوامل سازمان سیا، شایعه دخالت دولت مصدق در کودتا را ساخته و پخش کردند. آنها به کمک عوامل وابسته مطبوعاتی و بنگاه های خبری، هدف این کودتا را زیر فشار گذاشتن شاه و ناگزیر ساختن او به فرار معرفی کردند. مردم در اعتراض به دولت مصدق در ۲۸ مرداد دست به تظاهرات زدند، باقیمانده کودتاچیان نیز از پادگان ها و مخفی گاه ها بیرون آمدند و با ادوات نظامی مردم را به شورش و حمله به مراکز دولتی یاری و همراهی کردند. شهر، مؤسسات و ادارات دولتی به سرعت در اختیار کودتاچیان قرار گرفت، سران حکومت دستگیر شدند، خانه مصدق غارت و تخریب شد و دولت سرنگون شد.

از جهت گستره و وسعت میدان تخریب نیز، شایعه از دیگر آسیب های نیرومند است. تمامی خانواده ها، مدارس، دانشگاه ها، ادارات، کارخانجات، بازار و... یا دست کم بسیاری از این مراکز درگیر شایعات هستند. شماری شایعه زدایی می کنند و تعداد بیشتری شایعه پراکنی و شایعه سازی را دنبال می کنند.

بنابراین، شایسته است این آسیب اجتماعی از منظر قرآن به بحث و بررسی نهاده شود و عوامل، زمینه ها، بسترها، و راه های مبارزه با شایعه تبیین و تحلیل شود.

تعریف شایعه

پژوهشگران بسیاری تعریف شایعه را به بحث و بررسی نشسته اند. برای نمونه، ال پرت و پستمن از نخستین پیشگامان پژوهش در تعریف شایعه می گویند:

«شایعه موضوع خاصی است که برای باور همگان مطرح می شود و از فردی به فرد دیگری منتقل می گردد و معمولاً این انتقال به طور شفاهی صورت می گیرد بدون آن که شواهد مطمئنی در میان باشد.»^۱

نپ از دیگر پژوهشگران شایعه در تعریف شایعه می نویسد:

«شایعه موضوعی است که برای باور همگان مطرح می شود بدون آن که به طور رسمی تأیید

گردد.»^۲

تی شیبوتانی نیز می گوید:

«شایعه خبری است که در نتیجه مباحثات گروهی به صورت بازسازی شده ای درآمده است.»^۳
مجموعه تعاریف شایعه، هرچند کامل و جامع نیست، اما دست کم مارا با شماری از ویژگی های شایعه آشنا می سازد:

۱. شایعه خبری است درباره شخص یا حادثه ای که در زمان حاضر وجود دارد یا در این زمان اتفاق افتاده است. بنابراین شایعه، افسانه نیست.
۲. شایعه با هدف باور کردن دیگران مطرح می شود و مانند جوک و لطیفه نیست.
۳. شایعه یک کار جمعی است.
۴. شایعه خبری تأیید نشده است.
۵. شایعه درباره افراد، مؤسسات، ادارات و نهادهای اجتماعی و... است که مردم نسبت به آنها حساس هستند.
۶. شایعه ممکن است از یک دروغ، تهمت و بهتان پدید آمده باشد.

نمونه هایی از شایعات در قرآن

از شایعه در آیات قرآن سخن بسیار رفته است. پیامبران با انبوهی از شایعات رودرو بودند. این شایعات که از سوی دشمن آگاه و دوستان نادان ساخته و پخش می شد مشکلات بی شماری برای پیامبران می آفرید. گاه شایعه ساحر بودن رواج می گرفت و گاه شایعه قدرت طلبی، گمراه گری، دیوانگی و...

سرعت پخش شایعه گاه به اندازه ای زیاد بود که در همان آغازین روزهای دعوت پیامبران، گروهی بسیار، شایعه دیوانگی، قدرت طلبی و گمراهی آنان را شنیده بودند؛ برخی این شایعه را باور کرده و عده ای این شایعات را نمی پذیرفتند.

قوم نوح، شایعه گمراهی، قدرت طلبی، ریاست خواهی و دیوانگی نوح را رواج می دانند:

«قال الملائمة من قومه إنا لنراک فی ضلال مبین» اعراف/۶۰

مهربان قومش گفتند: تو را آشکارا در گمراهی می بینم.

«ما هذا إلا بشر مثکم یرید أن یتفضل علیکم» مؤمنون/۲۴

این مرد، انسانی است همانند شما، می خواهد بر شما برتری جوید.

«إن هو إلا رجل به جنّة» مؤمنون/۲۵

او مرد دیوانه ای بیش نیست.

«و قالوا مجنون و از دجر» قمر/۹

و گفتند: دیوانه است. و به دشنامش راندند.

قوم هود، شایعه سفاهت و دروغگویی حضرت هود را ساخته و پخش کردند:

«قال الملائمة الذین کفروا من قومه إنا لنراک فی سفاهة و إنا لنظنک من الکاذبین»

اعراف/۶۶

مهربان قوم او که کافر شده بودند، گفتند: می بینیم که به بی خردی گرفتار شده ای و پنداریم که از دروغگویان باشی.

شایعه شوم بودن صالح و طرفداران او نیز شایعه ای بود که ساخته و پرداخته قوم آن حضرت بود:

«قالوا اَطيرنا بك و بمن معك» نمل/۴۷

ما تو را و یارانت را به فال بد گرفته ایم.

ساحر بودن، مسحور شدن، دروغگویی و جنون موسی در شمار شایعاتی است که فرعون، قبطیان و

نبطیان برای موسی درست کردند:

«قالوا ما هذا إلاّ سحر مفتری و ما سمعنا بهذا فی آبائنا الأولین» قصص/۳۶

گفتند: این جادویی است بر ساخته، ما از نیاکان مان چنین چیزهایی نشنیده ایم.

«قالوا هذا سحر مبین» نمل/۱۳

گفتند: این جادویی آشکار است.

«إنّ هذا لساحر علیم» شعراء/۳۴

گفت: این مرد، جادوگری داناست.

«فقال له فرعون إنّی لأظنّک یا موسی مسحوراً» اسراء/۱۰۱

و فرعون به او گفت: ای موسی، پندارم که تو را جادو کرده باشند.

«فقالوا ساحر کذاب» غافر/۲۴

و گفتند: که او جادوگری دروغگوست.

«و قال ساحر أو مجنون» ذاریات/۳۹

و فرعون گفت: جادوگری است یا دیوانه ای.

قوم شعیب بر اساس یک شایعه که معلوم نیست نخستین سازنده آن چه کسی بوده، حضرت

شعیب را دروغگو، افسون شده و نادان می خواندند:

«قالوا إنّما أنت من المسحّرين. و ما أنت إلاّ بشر مثلنا و إن نظنّک لمن الکاذبین»

شعراء/۱۸۵-۱۸۶

گفتند: جز این نیست که تو را جادو کرده اند تو نیز بشری همانند ما هستی و می پنداریم که

دروغ می گویی.

در تاریخ اسلام نیز شایعات بسیاری، پیامبر و مسلمانان را درگیر ساخته و بخشی از جامعه اسلامی

را گرفتار تردید، دو دلی، سستی، اضطراب و دلهره کرده است. شایعاتی که در عصر پیامبر رواج یافت

از نظر محتوا مانند شایعاتی است که پیش از این دیگر پیامبران الهی را آزرده می ساخت:

«کذلک ما أتى الذین من قبلهم من رسول إلاّ قالوا ساحر أو مجنون. أ توأصوا به بل هم قوم

طاغون» (ذاریات/۵۳-۵۴)

بدین سان بر آنهایی که از این پیش بودند پیامبری مبعوث نشد؛ جز آنکه گفتند: جادوگری است،

یا دیوانه ای است. آیا بدین کار یکدیگر را وصیت کرده بودند؟ نه خود مردمی طاغی بودند.

شایعات عصر پیامبر را به چند گروه می توان تقسیم کرد:

الف. شایعاتی که شخصیت پیامبر را نشانه گرفته بود. این گروه خود بر چهار گونه بود:

۱. شایعه ساحر و شاعر بودن پیامبر

در آغاز فراخوان پیامبر، یک یا چند نفر شایعه ساحر، کاهن، شاعر و... بودن را ساختند و دیگران با

شنیدن این شایعات آنها را به سرعت میان مردم پخش کردند. ۴ این شایعات به گونه ای رواج یافت که

کفرپیشگان خود نیز باور کردند و پیامبر را ساحر، شاعر و مجنون خواندند و قرآن را سحر، شعر و اباطیل معرفی کردند:

«و قال الکافرون هذا ساحر کذاب» ص/۴

«بل هو شاعر» انبیاء/۵

«إنک لمجنون» حجر/۶

«و یقولون أننا لتارکوا آلہتنا لشاعر مجنون» صافات/۳۶

۲. شایعه خیانت

در میان غنایم جنگ بدر، مخمل سرخی وجود داشت، این مخمل مفقود شد، شماری این شایعه را ساختند که خود پیامبر این مخمل را برداشته است. این شایعه در میان مردم رواج یافت و پس از آن آیه شریفه زیر نازل گردید:

«و ما کان لنبی أن یغلّ و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیامۃ ثم توفّی کلّ نفس ما کسبت و ہم

لا یظلمون» آل عمران/۴۱۶۱

هیچ پیامبر را شایسته نیست که خیانت کند و هر که به چیزی خیانت کند، آن را در روز قیامت با خود آورد. سپس جزای عمل هر کس به تمامی داده خواهد شد و بر کسی ستمی نرود.

شمار دیگری از قرآن پژوهان و تفسیرگران، سبب نزول دیگری برای این آیه می آورند که بر اساس آن، گروهی از نگهبانان تنگه در جنگ احد چنین شایع کردند که هر کس از غنایم چیزی برای خود نگیرد نباید امیدی به دریافت غنایم از پیامبر داشته باشد. وقتی پیامبر این شایعه را شنید در پاسخ گفت: «گمان می کنید که من به شما خیانت می کنم و سهم شما را از غنایم نمی دهم».۵

۳. شایعه عادل نبودن

شایعه دیگری که شخصیت پیامبر را نشانه گرفته بود شایعه بی عدالتی آن حضرت بود. منافقان پس از جنگ حنین این گونه شایعه کردند که پیامبر در تقسیم غنائم به عدالت رفتار نمی کند:

«و منهم من یلمزک فی الصدقات فإن أعطوا منها رضوا و إن لم یعطوا منها إذا هم یسخطون»

توبه/۵۸

و بعضی از ایشان تو را در تقسیم صدقات به بیداد متهم می کنند، اگر به آنها عطا کنند خشنود می شوند و اگر عطا نکنند خشم می گیرند.

۴. شایعه زودباوری و سادگی

این شایعه توسط منافقان ساخته و پخش شد.

«و منهم الذین یؤذون النبی و یقولون هو أذن» توبه/۶۱

بعضی از ایشان پیامبر را می آزارند و می گویند که او به سخن هر کس گوش می دهد.۷

ب. شایعاتی که خانواده پیامبر را اذیت و آزار می داد؛ مانند شایعه بی وفایی عایشه. عایشه در این باره می گوید: هرگاه پیامبر قصد سفر داشت یکی از همسران خویش را به قید قرعه با خود می برد. در جنگ بنی مصطلق قرعه به نام من خورد و من همراه آن حضرت رفتم. در بازگشت از این غزوه برای رفع حاجتی از سپاه جدا شدم وقتی به سپاه پیوستم گردنبندم را نیافتم، برای یافتن گردنبندم دوباره از سپاه فاصله گرفتم. وقتی گردنبندم را یافتم و به قرارگاه بازگشتم سپاه رفته بود. همراهان من

به تصور اینکه من درون هودج هستم، هودجم را بر شتر نهاده بودند و سپاه حرکت کرده بود. به ناچار شب در همان قرارگاه خوابیدم. صبح روز بعد صفوان بن معطل که در عقبه سپاه حرکت می کرد مرا دید او شترش را در اختیار من قرار داد و خود در جلوی شتر به راه افتاد. وقتی به مدینه رسیدیم مردم درباره اهل افک سخن می گفتند. نزد پیامبر رفتم اما ایشان آن محبت همیشگی را به من نشان ندادند من که به سختی بیمار شده بودم مدتی استراحت کردم و پس از بهبود نسبی شایعه را از خدمتکارم شنیدم، سخت ناراحت شدم و... پیامبر از صحابه نظرخواهی کرد و وقتی یاران و انصار پیامبر از پاکدامنی من گفتند پیامبر بر منبر رفت و قذف کننده (دهنده نسبت ناروا) را سرزنش کرد بدون اینکه نام او را ببرد. در این هنگام یک نفر از قبیله اوس گفت: اگر قاذف از قبیله ما باشد او را می کشیم و اگر از قبیله خزرج باشد اگر شما اجازه دهی او را خواهیم کشت. یک نفر از قبیله خزرج از این سخن آشفته شد و مشاجره میان اوس و خزرج بالا گرفت تا آنجا که این دو قبیله در آستانه جنگ قرار گرفتند... شایعه همچنان ادامه داشت تا آن که آیات زیر از سوره نور فرود آمد:

«إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تحسبوه شراً لكم بل هو خير لكم... إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور/۱۱-۲۳) ۸

این سبب نزول در نگاه برخی از مفسران شیعه مورد قبول نیست، به باور این عده سبب نزول این آیات، قذف ماریه قبطیه توسط عایشه است. وقتی ابراهیم از دنیا رفت، پیامبر بسیار اندوهگین شد. عایشه به پیامبر گفت: ابراهیم که فرزند شما نیست که این گونه غمگین شدی، او پسر جریح است. این سخن عایشه، پیامبر را بسیار خشمگین ساخت و آن حضرت امام علی(ع) را برای کشتن جریح فرستادند. وقتی جریح خشم امام و شمشیر برافراشته را دید فرار کرد. امام علی(ع) او را تعقیب کرد، جریح بالای درخت رفت، امام نیز او را دنبال کرد، جریح از ترس پایین پرید و به زمین خورد، لباس جریح بالا رفت و نادرستی و بی پایگی شایعه روشن گشت. امام نزد پیامبر بازگشت و نتیجه را گزارش داد و پیامبر به اشتباه خویش پی برد. ۹

ج. شایعاتی که درباره شهادت پیامبر، شکست سپاه اسلام و شهادت برخی از صحابه پیامبر بود؛ مانند:

۱. شایعه شهادت پیامبر در جنگ احد

در این جنگ، مصعب بن عمیر، پرچمدار سپاه اسلام به دست ابن قمیئه از جنگجویان بنام قریش به شهادت رسید. ابن قمیئه به گمان اینکه پرچمدار پیامبر است شایعه کشتن شدن پیامبر را ساخت. سپاه کفر وقتی شایعه را شنیدند یکصدا فریاد «قتل محمد» سر می دادند: ۱۰

«و ما محمد إلا رسول قد خلت من قبله الرسل أفان مات أو قتل انقلبتم على أعقابكم و من ينقلب على عقبه فلن يضر الله شيئاً و سيجزي الله الشاكرين. و ما كان لفسن أن تموت إلا بإذن الله كتاباً مؤجلاً و من يرد ثواب الدنيا نؤته منها...» آل عمران/۱۴۴-۱۴۶

جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده اند. آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما به آیین پیشین خود باز می گردید؟ هر کس که بازگردد هیچ زبانی به خدا نخواهد رسانید. خدا سپاسگزاران را پاداش خواهد داد. هیچ کس جز به فرمان خدا نمی میرد؛ مدت مکتوب است. هر کس خواهان ثواب این جهانی باشد به او می دهیم...

۲. شایعه شکست سپاه اسلام در جنگ تبوک

دو گروه از شرکت در جنگ تبوک سرباز زدند:

یک. شماری از مؤمنان: «یا ایها الذین آمنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله اثاقلتم إلی

الأرض أ رضیتم بالحیوة الدنیا من الآخرة» توبه/۳۸

دو. منافقان: گروه دوم که با بهانه های واهی از همراهی سپاه اسلام سرباز زدند، در مدینه شایعه

شکست سپاه اسلام و شهادت پیامبر را پخش کردند. به مناسبت بروز این شایعه آیه زیر فرود آمد:

«إن تصبک حسنة تسؤهم و إن تصبک مصیبة یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل»

(توبه/۵۰) ۱۱

شایعه سازان

دشمنان، منافقان، رقیبان انتخاباتی، تجاری، اقتصادی و... سهم بسیار زیادی در شایعه سازی بر

عهده دارند و بخش عمده ای از شایعات از سوی این گروه ساخته و پرداخته می شود. نمونه های

بسیاری از این دست را امروزه در حاکمیت ها، شرکت ها، مؤسسات و مراکز گوناگون جهانی می توان

دید. ۱۲ در شایعات عصر پیامبر نیز نشانه های روشنی از حضور دشمنان، منافقان و رقباء، در ساخت

شایعه دیده می شود. منافقان مدینه گاه شایعه تمرکز دشمن در نزدیکی مسلمانان و آمادگی ایشان را

برای حمله را می ساختند و گاه از شکست، فرار، اسارت و شهادت پیامبر و سپاه اسلام خبر می دادند:

«لئن لم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینة»

احزاب/۶۰

ارجاف، در لغت به معنای پخش گزارش های ساختگی به منظور ایجاد وحشت، دلهره و اضطراب

است. ۱۲

در شایعه ساحر بودن پیامبر و شهادت پیامبر، ابوجهل و کفار مکه و ابن قمیئه به عنوان دشمن،

ایفای نقش می کنند و شایعه توسط ایشان ساخته می شود. در شایعه قذف، خیانت پیامبر، شکست

مسلمانان در جنگ بدر و... عبدالله بن ابی و پیروان او به عنوان منافقان مدینه شایعه سازی کردند و

حمه دختر جحش و خواهر زینب به عنوان رقیب به آنها کمک کرد و شایعه ارتباط ماریه قبطیه با

جریح توسط عایشه به عنوان هوو ساخته شد.

تحلیل و بررسی شایعات صدر اسلام نشان از نقش عمده منافقان در شایعه سازی و حضور کم رنگ

دشمنان دارد. مشرکان و کافران در رویارویی با مسلمانان، تنها به اذیت و آزار مسلمانان و کشتن

ایشان فکر می کنند، اما منافقان که در میان مسلمانان زیست می کنند و خود را با آنها همراه نشان

می دهند، ناگزیر از انتخاب شیوه ای متفاوت هستند. آنها بیشتر با اهرم شایعه به مخالفت و دشمنی

با مسلمانان می پردازند و انتخاب دیگر شیوه ها را ناپسند و نشانگر دشمنی آشکار خویش با مسلمانان

می دانند.

شایعه پراکنان

خودنمایی، دلواپسی، گوشه گیری، پرحرفی، تنهایی، تردید و دودلی، دشمنی و... از ویژگی های

برجسته شایعه پراکنان است. عبدالله بن ابی و منافقان، بسیار نگران و مضطربند. عبدالله بن ابی با

آمدن پیامبر موقعیت و جایگاه خود را از دست داده است. از این جهت او نیاز به خودنمایی دارد، شاید

دیگران مانند گذشته به او روی آورند و وی را از تنهایی و نگرانی و اندوه درآورند. به این جهت او و دیگر منافقان جنگ روانی حساب شده ای علیه مسلمانان به راه انداخته و با ساختن و پراکندن شایعه و ایجاد اختلاف میان مسلمانان در پی رسیدن به اهداف خود هستند. تنها عبدالله بن ابی در جنگ بنی مطلق دوبار فتنه کرد؛ یک بار میان انصار و مهاجرین اختلاف افکند و سخنانی در نکوهش مهاجرین گفت و بار دیگر درباره رابطه عایشه با صفوان.

در نبرد احد نیز شایعه پراکنان در برابر مسلمانان خودنمایی می کنند و با فرافکنی از اضطراب و نگرانی خود می کاهند. مسلمانان نیز که از درستی و نادرستی شایعه بی خبرند و گرفتار شک و تردید هستند برای رهایی از رنجی که از عدم قطعیت گریبانگیر ایشان شده است شایعه را پخش می کنند.

بستر شایعه

شایعه به سراغ چه نوع رویدادها، حقایق و کدامین مردمان می رود؟ این پرسش در شمار نخستین پرسش هایی است که درباره شایعه مطرح می شود. بستر شناسی شایعات نشان می دهد شایعات موفق، ماندگار و تأثیرگذار، شایعاتی هستند که بر اثر ابهام یک خبر یا یک حادثه، بدبینی به یک یا چند نفر یا یک واقعه، پنهان کاری و محرمانه نگه داشتن فعالیت ها، وضعیت نگران کننده و سوء تفاهم ها به وجود می آید. برای نمونه کالبد شکافی شایعه قذف نشان می دهد این شایعه بستر بسیار مناسبی داشته است و شایعه سازان بستر شناسان بسیار خوبی بوده اند. وقتی سپاه اسلام به مدینه می رسد پیامبر و سپاه اسلام متوجه غیبت عایشه می شوند، پس از چند ساعت (تقریباً به هنگام طلوع آفتاب و شاید هم دیرتر) عایشه همراه صفوان به ورودی شهر می رسند. ۱۴ این صحنه کاملاً مبهم است؛ هم عایشه زمینه مناسبی برای انگ خوردن دارد و هم صفوان. عایشه زنی است بسیار جوان که با همسرش بیش از ۴۰ سال اختلاف سن دارد. چنین اختلاف سنی در بسیاری یا دست کم در برخی موارد به بی وفایی همسر می انجامد. صفوان مردی است جوان، که همسر او از وی به پیامبر شکایت می برد: صفوان به من اجازه روزه گرفتن نمی دهد وقتی پیامبر از صفوان می پرسند چرا اجازه نمی دهی؟ او در پاسخ از جوانی خود و نیازش به روابط جنسی می گوید. ۱۴

افزون بر این، زمان غیبت عایشه و صفوان نیز زمانی است که پنهان کاری را ممکن می سازد. وقتی عایشه و صفوان پس از چند ساعت به مدینه می رسند نتیجه آن است که آنها طول شب را در تنهایی با یکدیگر بوده اند. بدبینی مردم به این دو نفر نیز بسترساز مهم دیگری برای تأثیرگذاری شایعه و رواج سریع آن است؛ اگر مردم خوش بین بودند و به تعبیر آیه قرآن گمان خیر درباره آنها می دادند، شایعه در نطفه خفه می شد و هیچ گاه میان مردم پخش نمی شد: «لولا إذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خيراً» (نور/۱۲)

در شایعه شهادت پیامبر نیز آنچه بستر را برای ساخت و پخش شایعه فراهم می آورد، یکی وجود حقیقتی بود که اتفاق افتاد و دیگری احساس خطر مسلمانان و شادمانی کفار مکه بود. در احد، حقیقتی اتفاق افتاده بود؛ بر اساس برخی روایات، ابن قمیئه ضربتی سخت بر پیامبر فرود آورد و بر اساس تعدادی از روایات، پرچمدار سپاه اسلام به شهادت رسیده بود. ۱۶ این حقیقت برای کفار شادمانی آورد و برای مسلمانان نگرانی و اضطراب و دلهره ۱۷. ابن قمیئه می دانست که پرچمدار اسلام را کشته است اما تصور می کرد این پرچمدار همان پیامبر است ۱۸ و بر اساس برخی روایات تصور می

کرد زخمی که بر پیامبر وارد ساخته او را از پا در می آورد. ۱۹. به این جهت وقتی شایعه شهادت پیامبر کلید خورد کفار بسیار خرسند شدند و مسلمانان، بسیار نگران و مضطرب.

بسترساز مهم دیگری که در این شایعه چهره می نماید، احساس خطر و نگرانی بسیار شدید سپاه اسلام است. این احساس، شماری از سپاهیان اسلام را ناگزیر از پخش شایعه و نقل آن برای دیگر مسلمانان می کرد. زمزمه پناهندگی به عبدالله بن ابی، تسلیم، بازگشت به دین گذشته ۲۰ و فرار از جنگ ۲۱ نشانگرهایی است که از احساس خطر بسیار شدید مسلمانان حکایت دارد.

بسترشناسی شایعه ساحر بودن پیامبر نیز نشان می دهد بستر این شایعه بسیار مناسب است. پیامبر تأثیر شگرفی بر کفار و مشرکان دارد. وقتی آن حضرت آیات قرآن را می خواند عظمت آیات قرآن به گونه ای است که بزرگان مکه نیز تسلیم حق می شوند. وقتی عده ای مانند ابوجهل این تأثیرگذاری را می بینند، شایعه ساحر بودن پیامبر را می سازند و مردمی که تأثیر شگفت آور سخنان پیامبر را دیده و شنیده اند این شایعه را باور کرده به سرعت به دیگران منتقل می کنند، تا آنجا که شماری از بزرگان کفر، از رو در رویی با پیامبر فرار می کنند و گروهی دیگر برای نشنیدن سخنان پیامبر در گوش های خود پنبه می کنند.

در شایعه خیانت پیامبر نیز بستر شایعه بسیار در خور توجه است. غنایم جنگ در اختیار پیامبر است. مخمل سرخی که در میان غنایم بوده مفقود شده، گم شدن مخمل در هاله ای از ابهام است، منافقان و شماری دیگر به همه بدبین هستند، کسی پاسخ گو نیست و اطلاع رسانی صورت نگرفته است. با این زمینه ها ناگهان منافقان شایعه خیانت پیامبر را می سازند و آن را به سرعت پخش می کنند.

در شایعه سادگی پیامبر نیز تسامح و مدارای پیامبر برای منافقان در هاله ای از ابهام است، منافقان عینک بدبینی بر دیدگان خود زده اند. در نتیجه آنها شایعه سادگی پیامبر را می سازند و به دیگران این گونه القا می کنند که هرچه به پیامبر بگویید او باور می کند.

زمینه های اصلی شایعه

مسائل جنسی، مالی، بیماری، مرگ، روابط پنهانی افراد و حکومت ها و... از مهم ترین زمینه های شایعه به شمار می آید.

در قذف همسر پیامبر، زمینه اصلی شایعه ارتباط جنسی است؛ هر چند احتمال می رود شایعه عبدالله بن ابی در آغاز چندان تند و تیز و زننده نبوده است، به خصوص با نظر داشت این موضوع که در بازگشت از همین غزوه، و پیش از قذف عایشه، عبدالله فتنه دیگری درست کرده بود و از سوی پسرش و عده ای تهدید شده بود. بنابراین او جرأت ساخت شایعه ای که به روشنی دلالت بر روابط نامشروع عایشه با صفوان داشته باشد ندارد. بنابراین به نظر می رسد جمله عبدالله در مورد عایشه تند و صریح و رکیک نبوده است؛ اما دیگران با آب و تاب دادن به آن و کم رنگ کردن برخی قسمت ها و افزایش برخی کلمات و برجسته ساختن آنها، شایعه را بسیار تند و تیز کرده قالب شعاری به آن داده باشند. شاهد این مدعا آنکه عایشه به هنگام ورود به مدینه متوجه پیچ مردم و سخنان ایشان شد، اما از آن چیز زننده ای استفاده نکرد و پس از چند روز متوجه شایعه زشت و ناروا شد.

در شایعه شهادت پیامبر، زمینه اصلی شایعه، زخمی شدن پیامبر یا شهادت پرچمدار اسلام است. در این شایعه نیز جمله ابن قمیئه کشته شدن پیامبر را نمی‌رساند؛ به خصوص آن شایعه که با فعل مجهول «قتل محمد» بیان شده است. اگر شایعه همان جمله ابن قمیئه بود مناسب بود به صورت معلوم به کار رود و ابن قمیئه فعل را به خود نسبت دهد. بنابراین، ابن قمیئه از زخمی شدن پیامبر و یا کشته شدن پرچمدار اسلام خبر داده است و دیگران این خبر را آب و تاب داده و در نهایت به شکل شعار «قتل محمد» در آورده اند.

در شایعه خیانت پیامبر، زمینه اصلی شایعه، مسائل مالی و ناسازگاری گفتار و رفتار پیامبر است، چنان که در شایعه سادگی پیامبر و ساحر، مجنون و شاعر بودن آن حضرت، زمینه اصلی شایعات اثبات بیماری پیامبر است.

عوامل اصلی شایعه پراکنی

عوامل اصلی پخش شایعه که بسیاری از شایعه پراکنان به آن جهت شایعه پراکنی می‌کنند عبارتند از:

۱. گزارش بودن

شایعه از آن جهت که خبر است و موضوعی غیرعادی و غیرمنتظره را منتقل می‌کند مخاطبان و شنوندگان را جذب می‌کند. تا خبر نباشد شایعه شکل نمی‌گیرد و تا شایعه شکل نگیرد خواننده یا شنونده آن را برای دیگران نقل نمی‌کنند. ارتباط عایشه با صفوان، شهادت پیامبر، ساحر بودن آن حضرت، خیانت و سادگی پیامبر از اخبار داغ و مهیج است. هر کس این شایعات را می‌شنود به سرعت به دیگران می‌رساند. گویا وظیفه ای اخلاقی و دینی در پخش چنین شایعاتی دارد. چنان که اخبار جهان سیاست بویژه در زمان ما این گونه است. مثلاً شایعه ترور کندی رئیس جمهور امریکا خبری بسیار داغ بود به گونه ای که در کمتر از نیم ساعت پس از ترور کندی ۶۸٪ و تا یک ساعت و نیم بعد از آن ۹۲٪ مردم امریکا از حادثه با خبر شدند. ۲۲

۲. رهایی از فشار

وقتی افراد، شایعات ناگوار را می‌شنوند فشار عصبی زیادی را تحمل می‌کنند، فشاری که از عدم قطعیت و ناآگاهی به وجود می‌آید. در این موارد شنونده با پخش شایعه در پی رهایی از این فشار عصبی و نگرانی پدید آمده از شایعه است. او به این وسیله می‌خواهد دیگران را در نگرانی خود سهیم کند. اگر شایعه نادرست است دیگران نادرستی شایعه را اثبات کنند و اگر درست است همگی چاره ای بیندیشند. بنابراین وقتی بسیاری از اهل مدینه از ارتباط عایشه و صفوان می‌گویند این شایعه پراکنی از بی‌ایمانی و دشمنی ایشان با پیامبر حکایت ندارد، بلکه شمار درخور توجهی از مردم در پی کاهش نگرانی، اضطراب و رنج حاصل از بی‌خبری خویش هستند. برای نمونه وقتی همسر خالد بن زید انصاری قذف عایشه را با همسر خود در میان می‌گذارد، احتمال بی‌وفایی عایشه را نمی‌دهد. بنابراین تنها در پی خالی کردن خود و رهایی از فشار عصبی است که این شایعه بر او وارده کرده است.

وقتی سپاه اسلام در جنگ احد از شهادت پیامبر سخن می‌گویند در صدد تضعیف خود و تقویت دشمن نیستند. آنها با پخش شایعه نگرانی خود را به دیگران منتقل می‌کنند و منتظر تکذیب یا تأیید

و تکلیف خود هستند. بر این اساس وقتی برخی از سپاه اسلام برای عده ای دیگر شایعه شهادت پیامبر را نقل می کنند آن عده می گویند اگر راست است ما نیز باید مانند او با دشمن جهاد کنیم تا شهادت را در آغوش گیریم و برخی دیگر از تسلیم به دشمن و پناه بردن به عبدالله بن ابی سخن می گویند.

۳. خشنود ساختن دیگران

بسیاری شایعات را برای خوشایند دیگران نقل می کنند. «بسیاری از شایعات تنها بدین دلیل که سرگرم کننده و جالب هستند پخش می شوند و کسانی که آنها را پراکنده می کنند اعتقادی به محتویات آنها ندارند، اما مطمئن هستند بر روی کسانی که دورشان جمع می شوند تا خبرها را بشنوند اثر می گذارد.»^{۲۳} در نگاه این گروه، شایعه در مقایسه با جوک و لطیفه از کارآیی بهتری برخوردار است؛ در شایعات انبوهی از اطلاعات درست و نادرست وجود دارد که همه افراد خواهان شنیدن آنها هستند. عده ای از اهل مدینه برای سرگرمی به پخش شایعه اقدام می کنند و برخی از کفار مکه سخن گفتن درباره ساحر بودن پیامبر و سحر بودن قرآن را نقل مجالس خویش ساخته اند.

۴. برون رفت از سکوت

یکی از عوامل دیگر پخش شایعه شکستن سکوت حاکم بر مجالس است؛ وقتی خویشاوندان یا دوستان در کنار یکدیگر قرار می گیرند و چیزی برای گفتن ندارند با پخش شایعات خود را سرگرم می کنند. بنابراین می توان پخش شایعاتی همانند ساحر بودن پیامبر، خیانت آن حضرت، بی وفایی عایشه و... را به عامل برون رفت از سکوت نسبت داد.

دشمنی، مخالفت، نفاق، حسد و... شمار دیگری از عوامل پخش شایعه است.

اهداف شایعه

بسیاری از شایعات بی هدف ساخته و پخش می گردد. اما شماری از شایعات هدفدار است. تضعیف روحیه دشمن، بالا بردن روحیه نیروهای خودی، سنجش واکنش دشمن، برآورد واکنش نیروهای خودی، حذف رقیب اقتصادی، سیاسی و انتخاباتی، بیان واقعیات، ایجاد تفرقه و دوگانگی در صف دشمن، ترور شخصیت افراد، کسب اطلاعات درست، وادار کردن مردم به شورش و قیام، اعلام فساد مسئولین و مدیران... در شمار اهداف شایعات قرار دارد.

در شایعه های قذف، شهادت پیامبر، ساحر خواندن آن حضرت، خیانت، بی عدالتی و سادگی پیامبر، شایعه سازان و برخی از شایعه پراکنان اهداف خاصی را دنبال می کنند.

اهداف شایعه قذف

برخی از اهداف عبدالله بن ابی، حمه و منافقان از شایعه قذف عبارت است از:

۱. ترور شخصیت عایشه

عایشه در میان همسران پیامبر، پس از حضرت خدیجه جایگاه ویژه ای دارد. پیامبر نیز بر اساس برخی روایات، محبت و توجه بیشتری نسبت به او دارد. بنابراین منافقان با شایعه قذف، قصد تخریب شخصیت عایشه را دارند.

۲. اذیت و آزار پیامبر و ابوبکر

هدف دیگر منافقان از این شایعه، آزار پیامبر و ابوبکر و طعن بر ایشان است. جصاص درباره هدف عبدالله بن ابی از این شایعه می نویسد:

«و کان هو یقصد بذلک أذی رسول الله(ص) و أذی أبی بکر.» ۲۴

چگونه پیامبر اسلام چنین همسری برای خود اختیار کرده است و چگونه ابوبکر دختری تربیت کرده که به همسرش بی وفایی می کند.

۳. برآورد میزان حساسیت مسلمانان و واکنش ایشان

منافقان پیش از این شایعه مسلمانان را در جنگ احد آزموده بودند و بی تعهدی و ناپایداری برخی از مسلمانان را دیده بودند و اکنون پس از چندین ماه در پی آزمونی دوباره هستند.

۴. ایجاد اختلاف و دوگانگی میان مسلمانان

عبدالله بن ابی از قبیله خزرج است و هرگونه برخورد تند با او از سوی قبیله اوس یا هر قبیله دیگری به اختلاف و تنش می انجامد. او با اطلاع از این موضوع شایعه قذف را ساخت و وقتی برخی از سران قبیله اوس از مجازات او سخن گفتند گروهی از خزرجیان برآشفتنند و در برابر قبیله اوس به رجزخوانی و تحقیر آنها پرداختند، به گونه ای که در اندک زمانی دو قبیله رودر روی یکدیگر قرار گرفتند، اما تدبیر پیامبر و هوشیاری ایشان عرصه را بر جنگ افروزان تنگ کرد و آرامش به اردوگاه مسلمانان بازگشت. ۲۵

۵. ایجاد بدبینی

در روایت عایشه که شکل سبب نزول دارد، پیامبر و برخی دیگر از صحابه تحت تأثیر شایعه قذف قرار گرفتند؛ به گونه ای که آن حضرت مانند گذشته به عایشه محبت و توجه نداشت و از توبه او سخن می گفت و شماری از صحابه سخنانی داشتند که عایشه را آزار می داد.

اهداف شایعه شهادت پیامبر

در این شایعه نیز شایعه سازان و شایعه پراکنان اهدافی را دنبال می کردند برخی از مهم ترین این اهداف عبارتند از:

۱. تضعیف روحیه سپاه اسلام

مهم ترین هدف شایعه پراکنان از شایعه «کشته شدن پیامبر» فرار سپاهیان اسلام و تسریع در شکست سپاه از هم گسیخته اسلام بود. شماری از کافران پس از ترک خدمت نگهبانان تنگه، مسلمانان را دور زدند و به محاصره درآوردند، عده ای در این محاصره شهید و گروهی در برابر دشمن ایستادگی کرده و درگیر جنگی سخت شدند. دشمن برای درهم شکستن مقاومت این گروه به جنگ روانی پرداخت و با پخش شایعه شهادت پیامبر، سپاه اسلام را ناگزیر از هزیمت ساخت.

۲. زمینه سازی برای تفرقه افکنی

وقتی شایعه شهادت پیامبر در تمام صحنه جنگ طنین افکن شد منافقان که نقش ستون پنجم دشمن را بر عهده داشتند عملیات روانی خود را آغاز کرده مسلمانان را از برخورد خشن کافران می ترساندند، عبدالله بن ابی را پناهگاهی مطمئن برای فراریان معرفی می کردند و مسلمانان را تشویق به خروج از دین اسلام و بازگشت به گذشته می کردند: «أفإن مات أو قتل انقلبتم علی أعقابکم»

۳. القای باور ناتوانی پیامبر در برابر یکی از جنگجویان قریش

در دیگر شایعات نیز هدف اصلی دشمن جلوگیری از گرایش مردم به پیامبر و بی توجهی و فرار ایشان از پیامبر بود. برای نمونه وقتی طفیل وارد مکه می شود برای اینکه تحت تأثیر سحر پیامبر قرار نگیرد گوش های خود را پر از پنبه می کند تا صدای پیامبر را نشنود.

باورپذیری شایعات

باورپذیری شایعات چگونه است؟ چرا مردم شایعات را باور می کنند؟ چرا در بعضی از جوامع، روشنفکران به شایعات بیش از اخبار رسمی اعتماد دارند؟

پاسخ های گوناگونی می توان برای این پرسش ها یافت که تعدادی عبارتند از:

۱. مستند بودن شایعات

یکی از عوامل اصلی پذیرش شایعات، مستندسازی این شایعات است، شایعه سازان و شایعه پراکنان همیشه شایعات را به افراد مطلع و آگاه و منابع موثق نسبت می دهند. این مستندسازی ها مخاطبان را تا حدودی نسبت به درستی شایعات مطمئن می سازد؛ به ویژه وقتی شایعه ساز و شایعه پراکن فرد قابل اعتمادی باشد.

۲. درستی برخی از شایعات

عامل دیگر پذیرش شایعات، درست از کار درآمدن تعدادی از شایعات است. وقتی این رخداد چند بار اتفاق افتد و تجربه شود اطمینان و اعتماد مردم به شایعات بسیار می شود تا آنجا که مثلاً بنابر آمارهای اعلام شده ۹۵ درصد روشنفکران روسیه اعتماد بیشتری به شایعات به عنوان اخبار تأیید نشده دارند؛ تا اخبار رسمی.

۳. سادگی برخی از مردم

بسیاری از مردم از اهداف شایعه سازان و شایعه پراکنان بی خبرند. آنها نمی توانند یا وقت ندارند درباره کسانی که از شایعات بهره می برند بیندیشند. همین عامل باعث می شود شایعات را باور کنند. وقتی عده ای از قبیله خزرج، تعصب و غیرت عبدالله بن ابی را عامل قذف عایشه می دانند و احتمال دیگری نمی دهند شایعه قذف از نظر ایشان پذیرفتنی می نماید.

۴. احتمال درستی شایعات

عامل دیگر باورپذیری شایعات، احتمال درستی یک شایعه است. هر مقدار احتمال درستی یک شایعه بیشتر باشد باور مردم بیشتر می شود.

وقتی عایشه همراه صفوان به دروازه مدینه می رسد عده ای بی وفایی عایشه را محتمل می دانند و در نتیجه شایعه قذف را باور می کنند.

وقتی غنائم جنگ بدر جمع آوری می شود و در اختیار پیامبر قرار می گیرد شماری دستبرد پیامبر را محتمل می دانند و شایعه خیانت را باور می کنند.

وقتی زید بن حارثه با شتر پیامبر خبر پیروزی سپاه اسلام را می آورد گروهی شایعه شکست سپاه اسلام را قابل قبول می دانند.

۵. بدبینی

یکی دیگر از عوامل مهم پذیرش شایعات، بدبینی شنوندگان شایعه نسبت به برخی افراد، مسئولان و شرکت ها و... است. برای نمونه بدبینی عده ای به عایشه و صفوان، عامل پذیرش شایعه قذف گردید.

راهکار مبارزه با شایعات

دو راهکار مهم برای مبارزه با شایعات وجود دارد:

* مرحله اول: پیش گیری

موفقیت این مرحله بسته به همکاری همه جانبه دو گروه است:

الف. گروهی که شایعات درباره آنها ساخته و پخش می شود.

ب. گروهی که شایعه سازی و شایعه پراکنی می کنند.

گروه نخست با دو راهکار می توانند از بروز شایعات و پخش آن جلوگیری کنند و شمار دیگری از شایعات را ریشه کن سازند.

یک. اطلاع رسانی سریع و دقیق؛

بخش عمده ای از شایعات بر بستر ابهامات می نشیند. اگر نهادها و گروه های اجتماعی همچون مؤسسات، شرکت ها، و نیز افراد و کلیه کسانی که شایعات درباره آنها رواج می یابد، ابهام زدایی پیشه کنند، به موقع و سریع اطلاع رسانی داشته باشند، مردم را با فقر اطلاعات درباره نوع فعالیت، ابزار و سازوکار... روبرو نسازند و فعالیت های خود را در هاله ای از ابهام قرار ندهند، بخش عمده ای از شایعات شکل نمی گیرد و یا به سرعت در میان مردم پخش نمی شود.

از باب نمونه امروزه و در عرصه فعالیت های دولتی و غیردولتی، روابط عمومی شرکت ها، وزارتخانه ها، ادارات، کارخانجات و... مهم ترین وظیفه را بر عهده دارند. آنها با اطلاع رسانی دقیق می توانند از بروز شایعه درباره محصولات، تولیدات، خدمات، روابط، سرمایه، عملکرد و... خود پیش گیری کنند. تأسیس مراکز اطلاع رسانی مستقل نیز تا حد زیادی از ساخت شایعات جلوگیری می کند. این مؤسسات می توانند اطلاعات مورد نیاز مردم را به آنها منتقل کنند و ساخت و پخش شایعه را ناممکن یا بی ثمر نمایند.

افزون بر این، سرعت اطلاع رسانی نیز در کاهش شایعات و از میان رفتن آنها بسیار نقش آفرین است. بخش عمده ای از شایعات از اطلاع رسانی دیرهنگام پدید می آید. برای نمونه اگر عایشه در بدو ورود به مدینه اطلاع رسانی می کرد و قصه همراهی خود با صفوان را برای مردم می گفت، بسیاری از زمینه های شکل گیری شایعه قذف از میان می رفت و افرادی چون عبدالله بن ابی و دیگر منافقان شایعه سازی نمی کردند و شماری دیگر شایعات را باور و پخش نمی کردند. اما اطلاع رسانی بسیار دیرهنگام بود، او پس از تقریباً بیست روز از اصل شایعه با خبر شد و به اطلاع رسانی پرداخت. اما این اطلاع رسانی نه از بروز شایعه پیش گیری کرد و نه جلو گسترش بیشتر آن را گرفت، هر چند این اطلاع رسانی تا اندازه ای حیثیت برباد رفته او را به وی بازگرداند.

اطلاع رسانی هرچند بسیار مطلوب است، اما ابهام در اطلاع رسانی صدمات جبران ناپذیری برجای می نهد که این صدمات اگر بیشتر از سایر گزینه ها نباشد از آن کمتر نخواهد بود. برای نمونه اطلاع رسانی پیامبر از جنگ بدر بسیار پسندیده و به هنگام بود؛ اما استفاده یکی از دو فرستاده از شتر

مخصوص پیامبر برای آنان که به دنبال نقاط ابهام بودند یک ابهام بزرگ بود، اگر مسلمانان آن گونه که فرستادگان می گویند پیروز جنگ هستند، چرا شتر پیامبر در اختیار زید بن حارثه است؟ همین ابهام در سبب پیدایش شایعه شکست مسلمانان در جنگ بدر شد به گونه ای که برخی از مردم مدینه نیز این شایعه را باور کرده و آمدن شتر پیامبر را نشان از شکست سپاه اسلام و فرار آن دو نفر خواندند.

دو. اعتماد سازی؛

اطلاع رسانی سریع و به هنگام، آن گاه نتیجه بخش است که مراکز اطلاع رسانی یا افراد و شخصیت هایی که شایعات در مورد آنها ساخته می شود اعتماد مردم را با خود داشته باشند. وگرنه هرگونه اطلاع رسانی به شایعات بیشتری می انجامد. رسانه ها، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، مؤسسات خبر رسانی، روابط عمومی ها و... اگر نتوانند اعتماد مخاطبان خویش را جذب کنند آنها را به سمت دریافت اطلاعات از بنگاه های خبرپراکنی و سایت های خبررسانی و... سوق می دهند و چون این مؤسسات تا اندازه ای اعتماد مخاطبان را با خود دارند هر شایعه نادرستی را نیز می توانند به عنوان یک خبر درست منتقل سازند. برای نمونه اعتماد مردم کوبا به چه گوارا و انگلیسی ها به چرچیل در اعلام آمار و تلفات بمباران ها و اخبار جنگ، از نمونه های تاریخ سیاسی دهه های اخیر است. ۲۶

گروه دوم که شایعه به دست ایشان پراکنده می شود نیز در راستای پیش گیری و مبارزه با شایعات وظایفی دارند که برخی از مهم ترین وظایف ایشان عبارتند از:

۱. خوش بینی و حسن نیت؛

بسیاری از شایعات، نتیجه بدبینی و بی اعتمادی است. وقتی شایعه سازی مانند عبدالله بن ابی به عایشه و صفوان بدبین است شایعه می سازد و عده ای با پذیرش شایعه در ترویج آن می کوشند. بر این اساس سوء ظن به دیگران، تهمت، غیبت و بهتان، گناه کبیره خوانده می شود:

«یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظنّ إنّ بعض الظنّ إثم و لاتجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً»

حجرات/۱۲

«لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خیراً و قالوا هذا إفک مبین» نور/۱۲

۲. هوشیاری؛

گسترش و رواج بسیاری از شایعات، نتیجه سادگی شنوندگان و خوانندگان است. وقتی افراد اغراض شایعه سازان را به مطالعه نمی گیرند و چشم بسته هر آنچه را می شنوند درست دانسته و پخش می کنند صدمات جبران ناپذیری خواهد داشت، در صورتی که در نگاه قرآن هر خبری نیاز به تحقیق و تفحص دارد:

«یا ایها الذین آمنوا إنّ جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا أن تصیبوا قوماً بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم

نادمین» حجرات/۶

اگر فاسقی برای شما خبری آورد تحقیق و تفحص کنید، مبادا که قومی را نادانسته در رنج و مصیبت افکنید و سپس خود بر کرده خویش پشیمان گردید.

۳. اطمینان از درستی شایعه؛

شایعات به دو گروه درست و نادرست تقسیم می شوند. بنابراین هر شایعه ای را نمی توان به دیگران رساند. احراز درستی شایعه شرط اساسی جواز انتقال آن به دیگران است. در آیات افک،

کسانی که شایعه قذف را باور نداشته ولی درباره آن سخن می گفتند نکوهش شده و مورد بازخواست قرار گرفته اند که چرا وقتی شایعه قذف را شنیدند به خود حق دادند درباره آن سخن بگویند:

«و لولا فضل الله عليكم و رحمته في الدنيا و الآخرة لمستكم في ما أفضتم فيه عذاب عظيم. إذ تلقونه بألسنتكم و تقولون بأفواهكم ما ليس لكم به علم و تحسبونه هينا و هو عند الله عظيم. و لولا إذ سمعتموه قلتكم ما يكون لنا أن نتكلم بهذا سبحانه هذا بهتان عظيم» نور/۱۴-۱۵

افزون بر این، علم به درستی یک شایعه نیز جواز انتقال را نتیجه نمی دهد، چه اینکه شایعه خبر است و پخش برخی اخبار، مصداق اشاعه فحشاء است:

«إنّ الذين يحبّون أن تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب أليم في الدنيا و الآخرة»

نور/۱۹

آنان که دوست دارند کار زشت در میان مؤمنان شایع گردد، عذابی دردناک در دنیا و آخرت برای ایشان است.

پخش شماری از شایعات، صدمات جبران ناپذیری به همراه دارد، بنابراین از پخش این گونه شایعات باید اجتناب کرد. برای نمونه وقتی منافقان شایعه ای درباره شکست یا پیروزی می شنوند به سرعت آن را پخش می کنند؛ در صورتی که بهترین گزینه در این موارد انتقال آن به پیامبر و ولی امر و دیگر صاحب نظرانی است که می توانند این شایعات را تجزیه و تحلیل کنند و حقایق را به گوش همگان برسانند. چه اینکه انسان درنقل هر شنیده و دیده ای آزاد نیست و گوش و چشم و دل در آخرت مورد بازخواست قرار می گیرند:

«و إذا جاءهم أمر من الأمن أو الخوف أذاعوا به و لو رتوه إلى الرسول و إلى أولى الأمر منهم لعلمه الذين يستنبطونه منهم» نساء/۸۳

«ولاتقف ماليس لك به علم إنّ السمع و البصر و الفؤاد كلّ أولئك كان عنه مسؤولاً»

اسراء/۳۶

* مرحله دوم: درمان

مرحله پیش گیری همیشه به نتیجه مطلوب و مورد انتظار نمی انجامد. بنابراین، مرحله درمان ضروری به نظر می رسد. در این مرحله با درپیش گرفتن راهکارهایی می توان شکل شایعات را از میان برد یا دست کم از گسترش و پیامدهای ناگوار شماری از شایعات کاست.

۱. تکذیب

این راه حل، تأثیرگذارترین راه برای مبارزه با شایعات است. تکذیب شایعه هر چند به نوعی رواج شایعه است و افراد بیشتری را با اصل شایعه آشنا می سازد؛ اما در مجموع گزینه ای است که ناگزیر از انجام آن هستیم و در میان سایر گزینه ها بهترین است.

بسیاری از گروه ها و احزاب، شرکت ها، مؤسسات و تمامی کسانی که شایعات درباره آنها ساخته می شود با روش ها و وسایل گوناگونی به تکذیب شایعات می پردازند و در این میان آنان که تکذیب را در زمان مناسب، با بهترین وسایل و روش ها و بدون هیچ گونه ابهامی انجام می دهند از دیگران موفق تر هستند.

تکذیب شایعه در آیات قرآن نیز راه حلی پسندیده و مناسب معرفی شده است، به گونه ای که تمام شایعاتی که درباره پیامبران الهی، پیامبر اسلام و قرآن صورت گرفته است تکذیب قرآن را به همراه

دارد. برای نمونه بی وفایی همسر پیامبر تکذیب می شود، قرآن وحی الهی و معجزه معرفی می شود و جنون، سحر، خیانت و... پیامبر به شدت تکذیب می گردد:

«و ما كان لنبي أن يغفل» آل عمران/۱۶۱

«قل أنزله الذي يعلم السرّ في السموات والأرض» فرقان/۶

«و إن كنتم في ريب ممّا نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من مثله و ادعوا شهداءكم من دون الله إن

كنتم صادقين» بقره/۲۳

«قال يا قوم ليس بي ضلالة» اعراف/۶۱

«إن الذين جاءوا بالإفك عصبة منكم» نور/۱۱

«إنّ الذين يرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا في الدنيا والآخرة» نور/۲۳

سیره پیامبر نیز در برابر شایعات، تکذیب است. وقتی شایعه قذف، در سراسر مدینه پخش می شود، و شماری از صحابه در پاکدامنی عایشه سخن می گویند و عده ای سخنان دو پهلو می گویند، بسیاری از مردم در انتظار واکنش پیامبر هستند، در این هنگام پیامبر بر منبر می رود و در نکوهش قذف کننده و عقوبت او سخن می گوید. این سخنان هرچند تکذیب صریح و روشن شایعه نیست، اما از لحن پیامبر و سخنان ایشان مردم تکذیب شایعه را می فهمند.

مردم نیز با الگوگیری از قرآن و سنت پیامبر باید در برابر شایعات بایستند و با تکذیب شایعه و دروغگو خواندن شایعه سازان با آنها به مبارزه برخیزند:

«لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خيراً و قالوا هذا إفك مبين» نور/۱۲

تکذیب شایعه یک اصل مهم در رودررویی با شایعات است؛ اما انتخاب زمان مناسب برای تکذیب، در خور اهمیت بسیار است. وقتی در نبرد احد، شایعه شهادت پیامبر در میدان جنگ پخش می شود، پیامبر تا ساعت ها هیچ گونه علامت و نشانه ای که حکایت از تکذیب شایعه باشد از خود بروز نمی دهد، و وقتی برای اولین بار «کعب مالک» پیامبر را زنده می یابد و در صدد تکذیب شایعه بر می آید پیامبر او را از این کار باز می دارد؛ ۲۷ چه اینکه تکذیب شایعه در زمانی که سپاه اسلام به هزیمت رفته اند و تعداد کمی محافظت پیامبر را بر عهده گرفته اند، دشمن را به حمله گسترده و تمام کردن کار تشویق می کند. در این موقعیت، نگه داشتن سپاه کفر، در موقعیتی که نه درستی شایعه را بدانند و نه نادرستی آن را، بسیار بهتر از تکذیب شایعه است و قدرت تصمیم گیری را از ایشان می گیرد. تا آنجا که ابوسفیان برای آنکه بتواند تصمیم بگیرد در میان شهدا به دنبال پیکر پیامبر می گردد و از عمر درباره درستی این شایعه پرسش می کند. ۲۸ در این جنگ وقتی پیامبر از تیررس دشمن دور شد و در نزدیکی فراریان از جنگ قرار گرفت با نشان دادن خود عملاً شایعه را تکذیب می کند.

تکذیب شایعات، همیشه تکذیب اصل شایعه نیست، بلکه در مواردی تکذیب آثار و فرایندهای شایعه است. برای نمونه وقتی شایعه شهادت پیامبر پخش می شود و عده ای تحت تأثیر این شایعه در برابر دشمن سست و ناتوان می نمایند و از تسلیم خود و بازگشت به دین گذشته خود و پناه بردن به عبدالله بن ابی سخن می گویند، قرآن می گوید:

«و ما محمد إلاّ رسول قد خلت من قبله الرّسل أفان مات أو قتل انقلبتم على أعقابكم و من ينقلب

على عقبه فلن يضرّ الله شيئاً و سيجزى الله الشاكرين. و ماكان لنفس أن تموت إلاّ بإذن الله كتاباً مؤجلاً و من یرد ثواب الدنيا نؤته منها و من یرد ثواب الآخرة نؤته منها و سنجزى الشاكرين. و כאین

من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما أصابهم فی سبیل الله و ما ضعفوا و ما استکانوا و الله یحبّ الصابین» آل عمران/۱۴۴-۱۴۶

۲. تقویت و بازسازی

در مبارزه با شایعات، تقویت فرد، مؤسسه و کارخانه ای که هدف شایعه قرار گرفته است یک راه حل اصولی و منطقی است. برای نمونه در راستای مبارزه با شایعه خیانت پیامبر، قرآن، ساحت پیامبر را از هرگونه خیانت پاک و منزّه می خواند، خیانت را با نبوت و رسالت حضرت محمد(ص) ناسازگار می نامد و پیامبر اسلام را امانت دار و درست کردار معرفی کرده می گوید: «وماکان لنبی أن یغل»(آل عمران/۱۶۱)

۳. خنثی سازی

شماری از شایعات آثار و عواقب بسیار ناگواری به همراه دارد. بنابراین در مبارزه با شایعات، خنثی سازی شایعات، یکی از راهکارهای مهم شناخته می شود. برای نمونه شایعه شهادت پیامبر، بسیاری از مسلمانان را از جبهه فراری داد و آیات قرآن با هدف از میان بردن اثرات این شایعه، قضا و قدر الهی را مطرح می کند و مرگ و زندگی را تابع قضا و قدر الهی می خواند: ای مسلمانان هیچ کس زودتر از اجلش نمی نمیرد. از مگر نهراسید و از جنگ فرار نکنید اگر اجل شما فرا نرسیده باشد در جنگ کشته نمی شوید و اگر رسیده باشد هر چند از جنگ فرار کنید باز هم مرگ شما را در آغوش می کشد:

«وماکان لنفس أن تموت إلاّ بإذن الله کتاباً مؤجلاً» آل عمران/۱۴۵

۴. کیفر شایعه سازان و شایعه پراکنان

شایعه سازی بسته به نوع شایعه، صدمات جبران ناپذیری دارد. برخی شایعات یک حکومت را از اریکه قدرت به زیر می کشد، تعدادی زمینه سازی برای دخالت بیگانگان و اعمال برخی تحریم ها می کند و شماری اوضاع اقتصادی، سیاسی و امنیتی را نگران کننده نشان می دهد و عواقب ناگواری با خود می آورد. بنابراین در رودررویی با شایعه سازان نمی توان از یک نسخه استفاده کرد و همگی شایعه سازان را به یک گونه مجازات و کیفر داد. برخی شایعه سازان باید به سختی مجازات شوند، برخی تعزیر شوند، شماری تبعید گردند و عده ای مورد عفو و بخشش قرار گیرند. برای نمونه آیات افک از مجازات سخت عبدالله بن ابی و طرفداران او و محرومیت ایشان از برخی حقوق حکایت دارد: «فاجلدوهم ثمانین جلدۀ و لاتقبلوا لهم شهادة أبداً»(نور/۴) و آیه شریفه «لئن لم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینة لنگرینک بهم ثم لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً»(احزاب/۶۰) خواهان تبعید و کیفر شدید منافقان مدینه است. ۲۹

پیامبر اسلام نیز با پیروی از آیات قرآن برخورد تندی با شایعه سازان داشت؛ برای نمونه، عبدالله بن ابی، مسطح ابن اثاثه، حسان بن ثابت و حمه بنت جحش را حدّ قذف زد. ۳۰ شماری از صحابه نیز شایعه سازان را کیفر می دادند؛ برای نمونه «صفوان بن معطل» در پی کشتن «حسان» یکی از قذف کنندگان بود به گونه ای که برخی اسناد و روایت تاریخی از شلاق زدن صفوان بر جنازه حسان حکایت دارد. ۳۱ تعدادی از مجروح شدن حسان به شمشیر صفوان ۳۲ و برخی از مدارک تاریخی نیز که شکل سبب نزول به خود گرفته است، نشانه هایی از برخورد تند عمر با شایعه سازان و شایعه پراکنان دارد. ۳۳

۱. کاپفرر، ژان نوئل، شایعه، ترجمه خداداد موقر، ۱۵.
۲. همان.
۳. همان، ۲۵.
۴. برای نمونه به نظر می‌رسد ابوجهل برای نخستین بار پیامبر را ساحر می‌خواند او به قریش می‌گوید محمد نه شاعر است نه کاهن و نه دروغگو، بلکه او ساحر است که این گونه میان ما اختلاف انداخته است.
۵. طبری، ابن جریر، جامع البیان، ۲۰۶/۴؛ شیخ طوسی، التبیان، ۳۴/۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۴۳۲/۲؛ حویزی، نورالثقلین، ۴۰۶/۱؛ قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۱۲۶/۱؛ سیوطی، لباب النقول فی أسباب النزول، ۶۰؛ واحدی، اسباب النزول، ۷۳؛ عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم (ص)، ۱۹۸/۶؛ فخررازی، التفسیر الکبیر، ۷۰/۹.
۶. طوسی، التبیان، ۲۴۱/۵؛ ابن الجوزی، زاد المسیر، ۳۰۸/۳.
۷. طبری، جامع البیان، ۲۱۵/۱۰؛ ابن الجوزی، زاد المسیر، ۳۱۲/۳.
۸. طبری، جامع البیان، ۱۱۶/۱۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ۲۲۸/۷-۲۳۰.
۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۹۹/۲ و ۳۱۹/۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۲۲۰/۹.
۱۰. طبرسی، مجمع البیان، ۴۰۳/۲؛ طبرسی، جوامع الجامع، ۳۳۳/۱.
۱۱. اسباب النزول عن الصحابة و المفسرين، ۱۱۹.
۱۲. از جمله در شایعه ارتباط شرکت پراکتراوند گمبل با شیطان و شریک بودن شیطان در منافع این شرکت و در نهایت وابستگی این شرکت به فرقه مون، شایعه سازان اصلی رقبای این شرکت و برخی از کشیشان بودند. شایعه آمیخته بودن همبرگر مک دونالد به گوشت کرم خاکی نیز توسط رقبای این شرکت بزرگ ساخته شد.
۱۳. راغب اصفهانی، مفردات غریب القرآن، ۱۸۹؛ طوسی، التبیان، ۳۶۱/۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۸۱/۸.
۱۴. طبری، جامع البیان، ۱۱۹/۱۸؛ النمیری، ابن شبه، تاریخ المدینة، ۳۱۲/۱.
۱۵. احمد بن حنبل، مسند احمد، ۸۵/۳.
۱۶. طبرسی، مجمع البیان، ۴۰۵/۲.
۱۷. قاضی نعمان، شرح الأخبار، ۲۷۹/۱.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۱۱۷/۱.
۱۹. همان.
۲۰. ابن الجوزی، زاد المسیر، ۳۵/۲.
۲۱. انصاری، ابن هشام، سیرة النبی، ۶۲۴/۳.
۲۲. کاپفرر، ژان نوئل، شایعه، ترجمه خداداد موقر، ۹۳.

٢٣. همان، ٨٧.
٢٤. جصاص، احكام القرآن، ٣/٣٩٧.
٢٥. عسكرى، سيد مرتضى، احاديث أمّ المؤمنين عايشه، ٢/١٢٠.
٢٦. كاپرر، ژان نوئل، شايعه، ترجمه خداداد موقر، ٤٣٤-٤٣٥.
٢٧. صنعانى، عبدالرزاق، تفسير القرآن، ١/١٣٦.
٢٨. قاضى نعمان ، شرح الأخبار، ١/٢٧٨.
٢٩. طبرسى، مجمع البيان، ٨/١٨١؛ طباطبايى، محمدحسين، الميزان، ١٦/٣٤٠.
٣٠. شيخ مفيد، الجمل، ١١٦.
٣١. احمد بن حنبل، العلل، ٢/٣٩٧.
٣٢. بيهقى، السنن الكبرى، ٨/٥٦.
٣٣. سيوطى، الدرّ المنثور، ٢/٨٠؛ لباب النقول، ٤٨؛ شوكانى، فتح القدير، ١/٣٨٨؛ واحدى، اسباب النزول، ٧٣.

